

حفظ و اتحاد ادیان و مذاهب در تشییع پیکر شهید سید حسن نصرالله



■ پس از رفتن و آمدهای متمادی و سالها اقامت در سرزمین زیبا و پُر ماجرای لبنان، سفر امروز به بیروت، بسیار متفاوت، اندوه‌بار و غمناک بود. صحنه‌های مشارکت حماسی، باشکوه و بی‌سابقه لبنانی‌ها و شهروندان آزاده حدود نود کشور جهان (ورای دین و مذهب، رنگ و نژاد، جغرافیا و ملیت و گرایش‌های متکثر سیاسی و حزبی) در آیین تشییع و خاک‌سپاری سید مقاومت و رهبر استثنایی آزادگان جهان، سید حسن نصرالله در فضای تهدیدآمیز و پرواز مستمر جنگنده‌های رژیم صهیونیستی بالای سر تشییع‌کنندگان، بسیار الهام‌بخش بوده و حاکی از پافشاری مردم بر استمرار راه و منش شهیدان مقاومت است که در یگانه شعار پُر مغز و پُر معنی «إنا على العهد - همه، بر عهد و پیمانیم» برپاکنندگان مراسم و تشییع‌کنندگان، کاملاً تجلی یافته است.

■ ما نور جنگنده‌های رژیم صهیونیستی نیز نشان داد که حضور حماسی مردم و وفاداری به مقاومت تا چه میزان این رژیم را مرعوب می‌سازد و نگران می‌کند.

■ قلم، گرچه از ترسیم و توصیف عظمت حماسه امروز که همراه با شور، شعور و شکوه خیل عظیم عبادا که در تاریخ این کشور بی‌مانند بوده، ناتوان و عاجز است؛ اما به یک باره به ذهنم رسید که تصویر صحنه‌های کربلایی و عاشورایی امروز بیروت را از منظومه فکری نزار قبانی، شاعر بزرگ عشق و نامدار عرب، به اقتباس عاریت بگیرم و یکی از شاهکارهای حسینی و کربلایی‌اش را به این مناسبت به اشتراک بگذارم؛

□ قبانی می‌گوید:

«حسین را نمی‌توان با انقلابیون سنجید، بلکه او را باید با پیامبران والا مقایسه کرد؛ و کربلا را نمی‌توان با دیگر سرزمین‌ها اندازه‌گیری کرد، بلکه باید آن را با آسمان‌های بلند و افلاک سنجید؛ و عاشورا را نمی‌توان با حوادث روزگار مقایسه نمود، بلکه باید آن را با دگرگونی‌های کیهانی و پیچش‌های عالم سنجید.

? با حسین، هر شکست، پیروزی است و بی‌حسین، هر پیروزی، شکست است؛ زیرا داستان عاشورا هنوز فصولش به پایان نرسیده است. هر روز، عاشورا است و هر سرزمینی، کربلا.

? ای مردم! آگاه باشید که شهادت، عمر شهیدان را فزونی می‌بخشد؛ آیا نمی‌بینید که «عبدالله الرضیع» امروز از بزرگ‌ترین شخصیت‌های تاریخ بشریت به شمار می‌آید؟

? حسین بر منطق عقل و حکمت استوار گردید و دشمنش بر منطق قهر و زور تکیه کرد. و هنگامی که قدرت دشمنش فرو ریخت، منطق حسین پیروز گشت و پیروزی‌اش ابدی و جاودان شد.

? پیش از عاشورا، کربلا تنها نامی بود برای دیاری کوچک، اما پس از عاشورا، به عنوانی برای تمدنی عظیم و شکوهمند بدل گشت.

? پرچمش در هم شکست، اما هرگز به خاک نیفتاد! پیکرش تکه‌تکه شد، اما هرگز به زانو درنیامد! فرزندان و برادران و یارانش را ذبح کردند، اما هرگز خوار نشد! این است عزت ایمان در اوج تجلیاتش.

؟ آنچه حسین و یارانش انجام دادند، بر آنان دشوار بود: یا بجنگند یا کشته شوند؛ اما اگر آنچه را که کردند، انجام نمی‌دادند، بر آنان دشوارتر بود.

؟حسین نه یک فرد، بلکه یک پروژه‌ای الهی است؛

؟و نه یک شخص، بلکه یک روش جاودان است؛ و نه یک کلمه، بلکه یک پرچم برافراشته است.

؟اگر حسین می‌خواست از جهاد طفره رود، می‌توانست به تمامی بهانه‌هایی که برخی برای تنبلی به کار می‌برند، تمسک جوید، اما او مرگ را عادت خود و کرامتش را شهادت از جانب خداوند می‌دید. پس جهاد را اعلام کرد و این از بزرگ‌ترین دستاوردهای او بود.

؟هر چه درباره حسین بگوئیم و هر چه درباره‌اش بنویسیم، هرگز از آنچه رسول خدا فرمود فراتر نخواهیم رفت: «بر ساق عرش نوشته شده است: حسین چراغ هدایت و کشتی نجات است.»

؟هر بار که در پی توصیف حسین برآمدم، دریافتم که کلام ناتوان از بیان حقیقت اوست.

؟گفتم او حق است... گفتم او کوثر است...

؟و گفتم او فضیلت است... اما او را بیشتر از این یافتم، و از خداوند متعال خواستم که کلمه‌ای به من الهام کند که حقیقت حسین را بیان کند. الهام شد که بگویم حسین... حسین است و بس!.

آری ...

؟با همین منطق نزار قبانی و در وصف صحنه‌های تاریخی و به یادماندنی امروز عاشورا و کربلای بیروت و عشق‌بازی مردم این خطه با حسین زمانشان، می‌توانم بگویم که «حسن، حسن است» و دیگر هیچ!

؟ یادداشتی از عباس خامه‌یار

بیروت

به وقت سیدحسن نصرالله

